

فهرست کلی

فصل اول

کلیات

فصل دوم

رهیافت عصیبت در اندیشه ابن خلدون

فصل سوم

دودمان قاجاریه

فصل چهارم

کاربست رهیافت عصیبت ابن خلدونی در تاریخ‌نگاری‌های عصر قاجار

فصل پنجم

کاربست رهیافت عصیبت ابن خلدونی در سفرنامه‌نویسی‌ها در عصر قاجار

فصل ششم

کاربست رهیافت عصیبت ابن خلدونی در خاطرات‌نویسی عصر قاجار

نتیجه‌گیری

فهرست منابع

فهرست تفصیلی

فصل اول: کلیات پژوهش

6	مسئله اصلی تحقیق.....
6	تشریح و بیان موضوع.....
7	ضرورت انجام تحقیق.....
7	سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته.....
9	فرضیه های تحقیق.....
9	اهداف اساسی از انجام تحقیق.....
9	نتایج مورد انتظار پس از انجام این تحقیق.....
	روش انجام پژوهش
9	الف) روش تحقیق.....
9	ب) روشهای گردآوری اطلاعات.....
9	ت) قلمرو تحقیق.....
10	1) دوره زمانی انجام تحقیق.....
10	2) مکان تحقیق.....

فصل دوم

رهیافت عصبیّت در اندیشه ابن خلدون

14	زندگی نامه.....
14	الف) تحصیلات.....
15	ب) مشاغل دیوانی یا زندگی سیاسی ابن خلدون.....
18	معرفی زمانه ابن خلدون.....
20	معرفی اندیشه اجتماعی ابن خلدون.....
26	چرایی ارائه نظریه ابن خلدون در باب ظهور و سقوط دولت ها.....

30	جامعه شناسی تاریخی ابن خلدون.....
32	تشریح رهیافت عصبیت.....
	شاخص سازی برای هر کدام از پنج دوره یا پنج مرحله ظهور تا سقوط
40	الف) مرحله اول.....
41	ب) مرحله دوم.....
41	پ) مرحله سوم.....
42	ت) مرحله چهارم.....
43	ج) مرحله پنجم.....
	فصل سوم
	دودمان قاجاریه
46	معرفی مختصر سلطنت قاجاران از اواخر زندیه.....
51	تاریخ و سیر تاریخی قاجاریه.....
55	معرفی ساختارهای عصر قاجار: نشان دهنده برآمدن تا فروافتادن.....
55	الف) ویژگی های حقوق.....
56	ب) ویژگی های اقتصادی.....
57	پ) ویژگی های سیاسی.....
58	ت) ویژگی های دولت.....
59	ج) ویژگی های سیاست خارجی.....
61	ر) ویژگی های اداری.....
62	ز) ویژگی های سیاست داخلی.....
62	د) ویژگی های فرهنگی.....
	فصل چهارم

کاربست رهیافت و شاخص ها با داده های تحلیل و استخراج شده از تاریخ نگاری های عصر قاجار

67	الف) مرحله اول: استقرار.....
79	ب) مرحله دوم: خودکامگی.....
89	پ) مرحله سوم: اوج قدرت.....
106	ت) مرحله چهارم: زوال.....
115	ج) مرحله پنجم: فروافتادن.....

فصل پنجم

کاربست رهیافت و شاخص‌ها با داده‌های تحلیل و استخراج شده از سفرنامه های عصر قاجار

136	الف) مرحله اول:استقرار.....
138	ب) مرحله دوم: خودکامگی.....
152	پ) مرحله سوم: اوج قدرت.....
162	ت) مرحله چهارم: زوال.....
177	ج) مرحله پنجم: فروافتادن.....

فصل ششم

کاربست رهیافت و شاخص‌ها با داده‌های تحلیل و استخراج شده از خاطرات عصر قاجار

200	الف) مرحله اول: استقرار.....
201	ب) مرحله دوم: خودکامگی.....
210	پ) مرحله سوم: اوج قدرت.....
216	ت) مرحله چهارم: زوال.....
226	ج) مرحله پنجم: فروافتادن.....

نتیجه گیری

246	منابع.....
-----	------------

فصل اول

کلیات پژوهش

1. اطلاعات مربوط به پایان نامه

1-1. مساله اصلی تحقیق

این پژوهش بر محور "دلایل و عوامل ظهور و سقوط حکومت قاجار(1304_1175)" صورت می پذیرد. بنابراین، با تکیه بر این موضوع که چرا و چگونه نظام‌های سیاسی زوال می‌یابند، چرایی و چگونگی برآمدن و فروافتادن دودمان قاجاریه در این پایان‌نامه چارچوب‌بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

1-2. تشریح و بیان موضوع :

به پدیده‌های تاریخی از جنبه‌های گوناگون می‌توان نگریست. در تاریخ ایران معاصر، ظهور و سقوط دودمان قاجار و رویدادهای تاریخی این دوره مثل جنگ‌های سیزده‌ساله ایران و روس، عصر امتیازات و انقلاب مشروطه، جایگاه مهمی دارد. نگارنده بر این باور است که می‌توان با تکیه بر برخی پژوهش‌های کیفی و با کاربست روش تحلیل متن(که به تفسیر متن از منابع مورد مطالعه توسط نگارنده می‌انجامد) به تحلیل تاریخ معاصر ایران از زاویه دیگر نگریست. نگارنده سعی بر این دارد که به قدرت رسیدن و همچنین زوال دودمان قاجاران را برپایه روش مزبور و بر اساس رهیافت عصیبت ابن‌خلدون، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. ابن‌خلدون عصیبت را در معنای وسیعی به کار برده و آن را مهمترین عامل تبیین تحولات اجتماعی می‌داند. ابن‌خلدون عقیده دارد که بعد از تبدیل جامعه قبیله‌ای به جامعه یکجانشین و استقرار دولت، شالوده آن محکم می‌گردد و به تدریج نیروی عصیبت از مردم رخت بر می‌بندد و به جای آن رفاه جویی، تن‌آسایی و تجمل پرستی به وجود می‌آید؛ در نتیجه، سستی و رخوت و عاری شدن جامعه از خصائل و صفاتی که افراد را در مقابل سختی‌ها و شدائد مقاوم نموده بود زمینه را برای اضمحلال جامعه و سقوط دولت فراهم می‌گرداند. جایگزینی قبائل و تبدیل آن به جوامع یکجانشین، دائماً ادامه می‌یابد و این همان نظریه‌ای است که به عنوان سیر تطور دورانی تاریخ از آن نام می‌برند. منشأ عصیبت بر اساس آراء ابن‌خلدون مبتنی بر عواملی چون، فطرت، نسب و حسب، دین، محیط جغرافیایی، و نوع معیشت است. در رهیافت ابن‌خلدون وجود

یک دوره کمابیش یکصد و بیست ساله (سه نسل) برای حکومت‌ها در نظر گرفته شده است (گرچه ممکن است بنا به دلایلی عمر حکومت‌ها کوتاه‌تر یا طولانی‌تر شوند)، که این دوره‌ها به ترتیب شامل: پنج دوره غلبه و پیروزی، ساختن و بنا نهادن، رسیدن به اوج و آرامش، انحطاط و فساد، و سقوط و زوال می‌باشند.

3-1. ضرورت انجام تحقیق :

نیازها و ضرورت‌هایی که نگارنده را به انجام این تحقیق واداشت، عبارت‌اند از: کاربردی‌ترین رهیافت‌های نظری در مطالعات تاریخی و نیز به‌کارگیری رهیافت‌های تطبیقی در پژوهش‌های علوم سیاسی. نیز انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی، از دیگر ضرورت‌هایی است که نگارنده را به انجام این پژوهش واداشت.

4-1. سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته :

در پیوند با دو موضوع ابن‌خلدون / قاجاریه مطالعات بسیاری صورت گرفته است. در مورد ابن‌خلدون پژوهش‌های گوناگون انجام شده، از جمله کتاب‌های: کالبد شکافی انحطاط و زوال سیاسی از دیدگاه ابن‌خلدون و ماکیاولی (حسین اطهری مریان)، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون (محسن مهدی)، اندیشه واقع-گرایی ابن‌خلدون (ناصر)، ارمغان شرق و اندیشه‌های اسلامی (میان محمد شریف) و فلسفه اجتماعی ابن‌خلدون (طه حسین)، جهان بینی ابن‌خلدون (ایو لاکوست)، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون (غلامعلی خوشرو)، بررسی جامعه‌شناختی "تئوری انحطاط" در نظریات ابن‌خلدون (سهیلا صادقی فسایی)، جامعه‌شناسی ابن‌خلدون (تقی آزاد ارمکی)، ابن‌خلدون و علوم اجتماعی: وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی (سید جواد طباطبایی)، از پایان نامه‌هایی که در این زمینه کار شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: حاکمیت از نظر ابن‌خلدون، (داود رسائی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران)، روش‌شناسی ابن‌خلدون (ناصرالدین غراب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس)، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون (غلامعلی خوشرو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس)، اندیشه سیاسی ابن‌خلدون (آیت قنبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران)، که تمام این کارهای صورت گرفته، صرفاً به توصیف و شرح نظریه پرداخته‌اند

و اساساً در این زمینه کار تطبیقی انجام نداده‌اند. درباره قاجار هم اگر چه مطالعات و تحقیقات متنوع و متعددی صورت گرفته است، اما از آن جا که این مطالعات صرفاً به صورت گزارش تاریخی بوده‌اند و به دنبال تحلیل این رویدادها بر اساس یک رهیافت یا نظریه نبوده‌اند، از نظر نگارنده در مرحله توصیف و گاهی نیز تشریح باقی مانده‌اند. آن چه که باعث تمایز این تحقیق از کارهای گذشته خواهد شده، این است که ما رهیافتی را به کار گرفته‌ایم که تاکنون به کار بسته نشده است. بنابراین می‌توان گفت که هر چند در قالب کتاب‌ها و مقالات به توصیف و تشریح دودمان قاجاریه پرداخته شده است، از جمله: تاریخ بنیان قاجار (رضا جهانسوز)، بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن (فرزام اجلالی)، در خدمت ایران عصر قاجار (بارتلمی سمینو)، تاریخ قاجار، شرح مختصر وقایع مهم در پیدایش قاجار (رابرت گرانت واتسن)، اکسیر التواریخ (اعتضاد السلطنه)، ناسخ التواریخ (میرزا محمد تقی سپهر لسان الملک)، تاریخ محمدی (محمد فتح الله ساوری)، فهرس التواریخ (رضا قلی خان هدایت)، تاریخ عضدالدوله، افضل التواریخ (افضل الملک)، و از پایان نامه‌های کار شده در رابطه با قاجار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: علل سیاسی / اجتماعی تأسیس حکومت قاجار در ایران (مهری ادیسی‌آریمی، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس)، مبانی اقتدار در دوران حکومت قاجار با تأکید بر مبانی دینی (رحیم رئوفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم)، امتیازات عصر ناصری انگیزه‌ها و واکنش‌ها (محمد رضا ظهوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد)، اوضاع اجتماعی ایران در عصر قاجار از دیدگاه جامعه‌شناسی (فاطمه ژینوس‌بنکدارسخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران)، نقش طبقه متوسط جدید در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی (تقی حسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس)، علما و دولت در دوره اول قاجار 1210-1264 ه.ق. (پرویز فتح‌الله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی)، و ساختار حاکمیت ایران در دوره اول سلطنت قاجار (1210-1264 ه.ق) (فاطمه حسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ولی تاکنون کاری به صورت تطبیقی (یعنی تطبیق یک سلسله پادشاهی و فراز و فرودهای آن (حکومت قاجار) با رهیافت عصیبت ابن خلدون) آن گونه که ما در نظر داریم انجام نشده است.

5-1. فرضیه های تحقیق:

به نظر می‌رسد با تاکید بر روش تحلیل متن و با بهره‌گیری از تحلیل متون گوناگون (گزارش‌های تاریخ‌نگارانه، سفرنامه‌ها و خاطرات روزگار قاجار) می‌توان از رهیافت عصبیت ابن‌خلدون برای توجیه چگونگی و چرایی برآمدن و فروافتادن دودمان قاجار به صورت تطبیقی استفاده نمود.

6-1. اهداف اساسی از انجام تحقیق :

اهداف‌های نگارنده از انجام این پژوهش، عبارتند از: شناخت و پژوهش در ساختار نظام سیاسی و اجتماعی قاجار، شناخت نظریه عصبیت ابن‌خلدون، کاربرد پژوهش کیفی در متون تاریخی/سیاسی، و تحلیل ظهور و سقوط یک دودمان سلطنتی در تاریخ معاصر ایران است.

7-1. نتایج مورد انتظار پس از انجام این تحقیق:

انتظار می‌رود پس از انجام این تحقیق چنین نتایجی حاصل شود: شناخت برآمدن و زوال حکومت قاجار، و شناخت عمیق از چگونگی کاربرد پژوهش‌های تطبیقی در مطالعات سیاسی و تاریخی.

2. روش انجام پژوهش:

1-2. روش تحقیق :

در مرحله اول با روش تطبیقی/تاریخی به بررسی منابع مربوط به ابن‌خلدون و دودمان قاجاریه می‌پردازیم و در ادامه با تکیه بر پژوهش‌های کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل متن به تجزیه و تحلیل متون تاریخ‌نگارانه، سفرنامه‌ها و خاطرات خواهیم پرداخت.

2-2. روش‌های گردآوری اطلاعات :

کتابخانه‌ای، 1. کتابها (فارسی + عربی)، 2. نشریه‌ها، 3. پایان‌نامه‌ها، 4. منابع اینترنتی

3-2. قلمرو تحقیق :

قلمرو موضوعی این پایان‌نامه عبارت است از، جامعه‌شناسی تاریخی ایران معاصر

الف- دوره زمانی انجام تحقیق:

(1797_1925/1175_1304) یعنی از بعد دوران زند شروع و به پایان قاجاریه یا آغاز پهلوی نیز ختم می‌شود.

ب- مکان تحقیق:

محل و مکان بررسی در این پایان نامه ایران دوران قاجاران می‌باشد.

2-4. روش‌های مورد نظر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها:

پژوهش کیفی با تکیه بر روش تحلیل متن با کاربرد رهیافت عصبیت ابن‌خلدون.

3. تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی طرح:

برآمدن:

پس از فروپاشی نظام زندیه در ایران و با توجه به جنگ‌های یازده ساله، دودمان قاجاریه توسط آقا محمد خان در سال 1175 بنیان گذاری شد.

فروافتادن:

کودتای 1299 رضاخان به نوعی پایان حکومت قاجاریه است؛ ولی دودمان قاجار به صورت رسمی در سال 1304 ه.ش. با تاج گذاری رضا شاه پایان پذیرفت.

عصبیت:

عصبیت اصلی‌ترین عنصر شکل‌گیری دولت است که مردم را به هم متصل ساخته، آنان را برای همکاری و همیاری آماده و به سوی کسب قدرت سیاسی هدایت می‌کند. عصبیت در این حال، وابستگی شخص به گروهی که طرفدار آن است و کوشش در راه پیروزی، تحکیم مبادی، عقاید و اصول و نیز طرفداری جزبی معنا شده است. از منظری دیگر عصبیت قوه محرکه تاسیس دولت است.

تاریخ نگاری

تاریخ نگاری ذکر و شرح رویدادها و آنچه روی داده است، می باشد که برای آیندگان معبری برای شناخت گذشته و عبرت گیری از چگونگی رخدادحوادث است. در کار تاریخ نگاری از تجزیه و تحلیل وقایع و تحقیق درباره علل و موجبات وقوع حوادث و اثرات آن کمتر ذکری به میان می آید.

سفرنامه:

سفرنامه نویسی یکی از سبک های ادبی است که در آن شخصی که به سرزمین های دیگر سفر کرده است، دیده ها، شنیده ها، تجربیات، رخدادها، و احساساتش به رشته تحریر در می آورد.

خاطرات:

به کتاب هایی گفته می شود که در کتابت رویدادهای تاریخی بر منابع نقلی مانند شنیده شده ها و آن چه که در ذهن و یاد اشخاص آمده، استوار است. نگارنده کتاب های از نوع خاطرات، تنها به ذکر آن چه خود دیده و شنیده است، بسنده می کند و از این حیث جز منابع دست اول تاریخ است.

پژوهش های کیفی:

پژوهش های کیفی بیشتر در علوم اجتماعی و انسانی - مثل مردم شناسی، علوم تربیتی، علوم ارتباطی، روان شناسی، تاریخ، باستان شناسی، جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی و ادبی، علوم سیاسی، مدیریت، مددکاری، کتابداری و اطلاع رسانی،- و نیز در برخی از شاخه های علوم طبیعی - مثل مطالعات بالینی و پرستاری - به کار می رود و معمولاً پژوهشی ترکیبی است. یعنی از مجموعه ای از روش ها، فنون و ابزار ها مثل مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون نگری، شرح حال، روایت، مشاهده مشارکتی، مشاهده غیر مشارکتی، مصاحبه عمیق، انواع بشر ساخته ها(مصنوعات)، فرآورده های فرهنگی و انواع متون مبنی بر مشاهده، متون تاریخی، متون تعاملی و بصری بهره میگیرد و گستره ی وسیعی از روش های تأویل و تحلیل های تفسیری را می پوشاند. در واقع، به قول ریچاردسون، پژوهش کیفی تلاشی است برای درک و شناخت یک پدیده از جهات و زاویه های مختلف و درگیر شدن در فرآیندی شبیه متبلور کردن پدیده مورد بررسی. پژوهش کیفی از زمانی آغاز شدند که نظریه پردازان علوم اجتماعی مدرن بررسی فرآیندها و الگوهای جامعه شناسی را آغاز کردند. پیش فرض این بررسی ها این بود که می توان جهان و مردم جهان را به عینی مشاهده و مطالعه کرد.

تحلیل متن

روشی برای مطالعه دقیق و تحلیل متون خاصه شیوه نظام مند و کیفی (غیر کمی) است و تمرکز این نوع تحلیل به جای توجه به محصول پیام یا پیام های تولید شده، بر فرآیند تولید پیام یا مضمون اجتماعی ساخت متون تاکید می کند و مولف یا تولید کننده پیام را، فاعل خودآگاهی در نظر می گیرد که در شرایط خاص، مخاطبانی را مورد توجه و دقت قرار داده است. در این نوع تحقیق پژوهش گر به صورت ژرف درباره تحقیق موجود توجه و دقت می کند و این روش انسجام و یکپارچگی بین دو بخش اصلی (محتوایی و شکلی) هر تحقیق را تنظیم می کند.

روش تطبیقی / تاریخی:

زمانی که پژوهش به تاریخ قبل از زمان حاضر تمرکز داشته و میان واحدهای تحلیل مورد نظر مقایسه به عمل آورد، تاریخی / تطبیقی نامیده می شود. این روش مجموعه ای از رویداده ها یا فرآیندها را مد نظر قرار می دهد و با مقایسه آنها به صورت کمی و کیفی نتیجه گیری می کند.

فصل دوم

رہیافت عصبیت در اندیشہ ابن خلدون

1. زندگی نامه

ابن خلدون در رمضان سال 732 ه.ق. / 27 مه 1332 م. در تونس متولد شد. خانواده وی در اواسط قرن هفتم هجری قمری به تونس مهاجرت کرده بودند. (ساوجی، 1382: 53). نام کامل وی چنین است؛ ولی الدین عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن حسن بن جابر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالرحمن خلدون. نسب جد وی خلدون که به اندلس آمده بر اساس روایت ابن حزم به این ترتیب است: خالد معروف به خلدون بن عثمان بن خطاب بن کریب بن معدیکرب بن حارث بن وائل بن حجر. (پیشوائی، بی تا: 13 و ابن خلدون، 1370 ه.ق: 1-3) بر این اساس نسب وی به یکی از اصیل ترین دودمان های عرب یمانی می رسد. اگر چه در چنین شجره ای شک و تردید وارد است. (ابن- خلدون، 1375: 39)

خانندان ابن خلدون دائماً در مشاغل دیوانی و حکومتی مشغول بودند. شهرت و موقعیت این خانندان در کارهای دیوانی باعث شد که خانندان حکومت مرینی در سال 748 ه.ق. برای بدست گیری امور دیوانی آنها را به تونس فراخوانند. عامل دیگر مهاجرت این خانندان موج جدیدی از انقلاب ها در اندلس بود. ابن خلدون در 17 سالگی به دلیل تصرف تونس توسط خانندان مرینی و وقوع طاعون پدر و مادرش را از دست داد. این حادثه موجب شد که ابن خلدون به سرزمینی مشخص وابستگی نداشته باشد و دائماً در سفر باشد، که اینها همه تجربه ای ارزشمندی را برای وی به وجود آورد. (اطهری- مریان، 1378: 51-52)

1-1. تحصیلات:

ابن خلدون دوران ابتدایی خود را با آموزش قرآن نزد پدر و دیگر استادان حدیث در مذهب مالکی فراگرفت. ریاضیات، منطق و فلسفه را نزد «آبلی» دوست پدرش آموخت. وی با اندیشه ابن- سینا، فارابی، خواجه نصیرتوسی و ابن رشد آشنا شد. علاوه بر اینها وی فقه، اصول فقه، تصوف و عرفان و پس از آن تذکره نویسی و تاریخ را برای انجام کارهای دیوانی و نوشتن مراسلات درباری و حکومتی و... را فراگرفت. گرچه وی به نحوه تحصیلاتش اشاره نمی کند. وی به علت موقعیت

خانوادگی این تحصیلات را به دست آورد ولی تحصیلات رسمی زیاد اکتفا نکرده و آنچه باعث شهرت وی گردیده است، آمیختن آموزش‌های سنتی با تجربیات و مشاهدات جهانی (بدلیل سفرهای زیاد) به مدد عقل و نبوغی است که وی داشت. و در اواسط عمر بود که فعالیت‌های سیاسی را کاملاً رها کرد و به تحقیق و تعلیم روی آورد. (اطهری‌مریان، 1378: 52-54). وی در حدود بیست سالگی کاتب و طغرانویس ابومحمد بن تافراگین شد.

2-1. مشاغل دیوانی یا زندگی سیاسی ابن خلدون:

بعد از مرگ پدر و مادر ابن خلدون و بسیاری از استادان تونس بر اثر شیوع طاعون، ابن خلدون تنها شد و به فکر مهاجرت به فاس، (همراه استادش «آبلی») افتاد. در آن زمان فاس کانون قدرت سیاسی و زندگی فرهنگی در شمال آفریقا بود. بعد از بازگشت ابوعنان به فاس، وظیفه نوشتن فرامین حکومتی را به وی واگذار کرد. (پیشوائی، بی‌تا: 16) این شهر محل خوبی برای تحصیل و آشنایی با زندگی سیاسی آفریقای شمالی و اسپانیای مسلمان برای وی بود. ابوعنان وی را در سال 758 ه.ق. / 1357 م. به اتهام همدستی با ابوعبدالله بر ضد او، دو سال زندانی کرد. مدتی بعد آزاد، و به اسپانیای مسلمان (غرناطه) رهسپار شد. (لمبتون، 1389: 387-390)

بعد از ورود ابن خلدون به اسپانیای مسلمان از دربار فاس «نخستین مرحله تجربه سیاسی او به پایان رسید». (مهدی، 1373: 49). آشنایی ابن خلدون با محمد پنجم فرمانروای غرناطه (اسپانیای مسلمان) به سال‌های 760 ه.ق. / 1359 م. - 762 ه.ق. / 1361 م. زمانی که محمد توسط برادرش خلع شد و به دربار «ابوسالم» در فاس آمد، برمی‌گردد. بعدها وزیر سلطان محمد پنجم به ابن خلدون بدگمان شد و مابین ابن خلدون و وزیر سلطان (ابن الخطیب) تیره شد و ابن خلدون مجبور به ترک غرناطه شد. بعد از اینکه ابن خلدون غرناطه را ترک کرد به «بجایه» رفت و مورد استقبال قرار گرفت و زمام کارهای شهر به وی داده شد؛ زیرا در رمضان سال 765 ه.ق. / 1364 م. دوست ابن خلدون، ابوعبدالله از خاندان حفص بر بجایه تسلط یافت. (وارینگتن، 1386: 267) بدین ترتیب سومین مرحله مشاغل سیاسی وی آغاز شد. اما بعد بخاطر سعایت و کینه‌ورزی دشمنانش، بجایه را ترک کرد. (مهدی، 1373: 56-57) از آن هنگام به بعد وی تا ده سال مشغول تدریس و تحقیق شد.

ابن خلدون باهدف دوری از جنجال‌های آفریقای شمالی در سال 776 ه.ق./1375 م. وارد اسپانیا شد. در این زمان فرمانروای اسپانیا شخص بیرحمی بود که وقتی شنید ابن خلدون در گذشته در صدد نجات جان ابن الخطیب (وزیر فراری اسپانیا به دربار مرینی) بود وی را از غرناطه بیرون راند. وی دوباره به آفریقا برگشت ولی این بار کاملاً از فعالیت‌های سیاسی دوری نمود و در قلعه ابن سلامه سکونت گزید. و چهار سال را در بی‌خبری از دنیای بیرون گذراند. (لمبتون، 1389: 391) وی اکنون چهل و اندی سال داشت. ابن خلدون بر آن شد که گوشه‌نشینی اختیار کند و درباره مسائلی که تاریخ اسلام باختتری برای او مطرح کرده بود، به اندیشه پردازد و سکونت در قلعه ابن سلامه این فرصت را برای وی فراهم نمود. از این زمان به بعد است که وارد زندگی علمی ابن خلدون می‌شویم که وقتش را صرف تحقیق و تألیف می‌کند. زندگی علمی ابن خلدون: «انتقال ابن خلدون به این قلعه (ابن سلامه) به مثابه پایان زندگی سیاسی وی به شمار می‌رود». (مقدمه، 1375: 63). ابن خلدون خود در رابطه با زندگی و روش کارش چنین اظهار نظر می‌کند: «در آن قلعه فارغ از کلیه مشاغل و اعمال اقامت گزیدم و هنگام اقامت در آن، تألیف این کتاب را آغاز کردم و مقدمه آن را بدین شیوه شگفت که در آن عالم تنهایی بدان رهبری شدم، تکمیل کردم». (ابن خلدون، 1375: 64). قلعه ابن سلامه که در منطقه قبیله «منداس» قرار داشت به علت دور افتادگی از مراکز علمی و فرهنگی، محیط مناسبی برای نوشتن کتاب تاریخ وی، نبود. آنگاه ابن خلدون برای استفاده از منابع و اتمام کتابش رهسپار تونس شد. (اخوان، 1379: 201) در مجموع می‌توان زندگی ابن خلدون را به سه دوره تقسیم کرد:

الف) دوره فعالیت سیاسی در کشورهای مغرب که متجاوز از بیست سال طول کشید (1352-1374).

ب) دوره گوشه‌نشینی و تألیف در قلعه ابن سلامه نزد اولاد «بنی‌عریف» که حدود چهار سال طول کشید (1374-1378). (ابن خلدون، 1986: 13).

ج) دوران اشتغال به امور قضایی، تدریس و تألیف در مصر و دیگر کشورها و که هیجده سال به طول می‌انجامد (1378-1406). (اخوان، 1379: 20 و ابن خلدون، ج 1، 1375: 20)

ابن خلدون برای اتمام تألیف‌هایش نیاز به کتاب‌هایی داشت که جزء در شهرهای بزرگ یافت نمی‌شد، به همین خاطر روانه تونس شد؛ (ابن خلدون، 1986: 13) و با استقبال گرم مردم و سلطان روبرو شد. به گفته خود ابن خلدون در کارها با وی مشورت می‌شد. جزء اینکه وی در کارهای سیاسی دخالت نمی‌کرد. در اینجا نیز (تونس) کینه و حسادت‌ها علیه وی به راه افتاد، این بار حسادت‌ها نه سیاسی بلکه علمی بود. این حسادت‌ها از سوی محمد بن عرفه مفتی تونس بود که دوست ابن خلدون هم بود. به این علت که شهرت ابن خلدون باعث روی آوردن شاگردان وی به سوی ابن خلدون شد. (طه، 1382: 26)

ابن خلدون بعد از سی سال دوری از تونس، این بار خواست که کتابش را که بخشی از آن را در دوران عزلت و گوشه‌نشینی نوشته بود را تکمیل کند. در این زمان فرمانروای تونس «ابوالعباس» بود. این امیرزاده و سلطان حفصی تونس بعد از غلبه بر «بجایه» در سال 767 ه.ق/1366 م. قلمروش را گسترش داده و با درگذشت «ابواسحق» تونس را تسخیر کرد. با گذشت ابوالعباس از ابن خلدون، وی مورد علاقه و لطف فرمانروا واقع شد. با شروع موج جدیدی از حسادت و سعایت‌ها، وی با دریافت اجازه از سلطان ابوالعباس، به سوی اسکندریه حرکت کرد و ابن خلدون بعد از چهار سال اقامت در تونس از راه دریا در مدت چهل روز یعنی در روز 8 دسامبر 1382 م. /اول شوال 748 ه.ق. به اسکندریه وارد شد. حدود یک ماه بعد از ورود به اسکندریه به جای حرکت به سمت مکه به قاهره رفت. (مهدی، 1373: 66-69 و ابن خلدون، 1370: 261-262)

ابن خلدون از ورودش به مصر تا پایان زندگی یعنی تا بیست و چهار سال بعدی زندگی‌اش را در مصر اقامت نمود. بعد از آنکه وی مورد احترام فرمانروای مصر (ملک ظاهر برقوق) واقع شد (پیشوائی، بی تا: 17) از وی درخواست کرد که نزد فرمانروای تونس شفاعت کند تا خانواده‌اش را برای سفر به مصر آزاد بگذارد. بعد از موافقت دو پادشاه مصر و تونس، خانواده ابن خلدون از تونس با کشتی به سوی مصر حرکت کرد و کشتی غرق شد و دیدار زن و فرزند برای او میسر نشد. (ابن خلدون، 1375: 66)

با ورود ابن خلدون به مصر که در واقع آخرین مرحله زندگیش با این سفر شروع شد، سلطان مصر دو وظیفه را به وی محول کرد: «یکی تدریس در مدرسه قمحیه»، از موقوفات صلاح‌الدین ایوبی (532-589 هـ.ق) بجای یکی از مدرسان تازه درگذشته آنجا، و دیگر منصب قضا مالکیان مصر به جای جمال‌الدین عبدالرحمن قاضی پیشین مالکی که مورد سخط سلطان قرار گرفته بود. (رحیم-لو، 1369:447). وی عهده‌دار مدرسی چندین مدرسه از جمله؛ «قمحیه»، «ظاهریه» و «ضرغتمش» و مدتی را هم به مقام «شیخ» خانقاه «ببرسی» تعیین گردید.

ابن خلدون در مصر زندگی سیاسی را به طور کامل کنار نهاد و به تدریس و قضا و تالیف مشغول شد. وی چندین بار به مقام «قاضی القضاة مالکیان» انتخاب شد چرا که این منصب در آن روزگار دستخوش تغییر و تحول زیادی بود. اگرچه بعد از رسیدن وی به مقام قاضی القضاة مالکیان بخاطر اراده قاطع و شدت عملش، گروهی شیفته وی شده بودند و کسانی هم نسبت به وی با نظر کینه‌توزی می‌نگریستند. (ابن خلدون، 1375:66).

2. معرفی زمانه ابن خلدون

با گسترش دولت اسلامی، این دولت با روم شرقی در مقابل هم قرار گرفتند. هنگامی که شام و مصر از مناطق رومیان در زمان خلافت خلیفه دوم به دست مسلمانان افتاد، پایگاهی شد برای فتح آفریقا. بعد از فتح مصر، عرب‌ها فتوحاتشان را در آفریقا گسترش دادند. (عنان، 1366: 11-23) هنگامی که مسلمانان شمال آفریقا را تصرف کردند، اسپانیا در آتش کینه و نفاق و اختلاف می‌سوخت و در ورطه ضعف و سستی افتاده بود. با رودرویی سپاه اسلام و اسپانیا، آخرین پادشاه اسپانیا نیز شکست خورد و اسپانیا بدست مسلمانان افتاد. (عنان، 1366: 36-42) گشوده شدن اسپانیا بدست مسلمانان سرآغاز عصر نوینی بود و از آن پس تحول عظیمی در زندگی کلی و نظامات اجتماعی‌اش پدیدار گردید.

دوره‌ای که ابن خلدون در آن می‌زیست عصر تحول و انقلاب در سراسر دنیای آن زمان به شمار می‌رفت، (ساوجی، 1382:56) چرا که دنیای اسلامی و عربی در سراسیمی تجزیه و انحطاط افتاده بود و عالم مغرب (اروپا) به پیشرفت و بیداری گام می‌گذاشت. (ابن خلدون، 1375:44). گذشته از عالم مغرب زمین (اروپا) در عهد ابن خلدون، عالم اسلام را نیز می‌توان به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم

کرد: (صادقی فسائی، 1379: 21-22) «کشورهایی مانند ایران، هندوستان، عراق، شام و عربستان جزو بخش شرقی و کشورهای میان اقیانوس اطلس و مصر یعنی کشورهای شمال آفریقا و قسمت اسلامی اسپانیا یعنی اندلس جزو بخش غربی به شمار می‌رفتند». (اخوان، 1379: 17)

ابن‌خلدون (732-808 هـ.ق) در دورانی زندگی می‌کرد که خلافت عباسیان در اثر حمله مغول‌ها از بین رفته بود و مصادف با موج حمله تیمورلنگ و گورکانی بود. همچنین زندگی وی در غرب مصادف بود با دوره گذار از قرون وسطی به عصر رنسانس. (برزگر، 1383: 76) «عصر ابن‌خلدون عصر حوادث سیاسی و عصر آشوب و اضطراب بود». (الفاخوری، 1358: 710)

اندلس: بیشتر شهرهای اندلس در آن زمان از جمله مهمترین مراکز تمدن اندلس مانند طلیطله (تولدو) و قرطبه (کوردو) تا اشبیلیه از تصرف عرب خارج شده و به دست اسپانیایی‌ها درآمده بود. فقط قسمتی در جنوب غربی آن کشور میان غرناطه و المریه و جبل فتح در دست عرب باقی مانده بود و خاندان بنوالاحمر در آن حکومت می‌کردند. (ابن‌خلدون، 1375: 44). اندلس هرچند از لحاظ وضعیت جغرافیایی جزو سرزمین مغرب به شمار می‌رفت ولی از کشورهایی را که مغرب می‌نامیدند به طور کلی جدا بود. (اخوان، 1379: 17 و ابن‌خلدون، ج 1، 1375: 44). در قرن نهم هجری (14م) اسپانیای مسلمان متشکل از یک باریکه زمین کوچکی بود، که در قسمت جنوب قرار داشت و دودمان بنوالاحمر یا بنونصر (1232-1492) در آن حکومت می‌کردند. (مهدی، 1373: 27).

تصویر جهان اسلام در قرن هشتم و نهم (قرن 14م) چنان که خود ابن‌خلدون هم ترسیم کرده «تصویری از انحطاط و از هم پاشیدگی عمومی است». (مهدی، 301373). آفریقای شمالی نسبت به شرق عربی در وضع بدتری به سر می‌برد. اگر تمدن اسلامی در جای‌های دیگر (شرق عربی) دچار انحطاط بود در آفریقای شمالی از بین رفته بود.

مشرق عربی: بیشتر کشورهای مشرق اسلامی که در سده‌های پیشین از حکومت مرکزی (خلافت اسلامی) استقلال یافته بودند به دلیل فرسودگی نظام زمین‌داری (فتودالیسم) و حمله تاتارها از شرق و عثمانیان به هرج و مرج افتاده بودند و از لحاظ سیاسی و فرهنگی دچار انحطاط شده بودند. دیگر از آن تمدن اسلامی در قرن‌های درخشان سوم و چهارم چیزی باقی نمانده بود. (اخوان، 1379: 17-)

18) در این قسمت از عالم اسلامی مصر از یک وضعیت استثنایی برخوردار بود. این کشور در زمان ابن‌خلدون مثل ممالک حجاز و شام تحت سلطه ممالیک قرار داشت و «اوضاع سیاسی در این کشور نسبت به مغرب بدرجات مستقرتر و آرام‌تر بود». (ابن‌خلدون، 1375:49)

مغرب عربی: این کشورها نیز گرچه از حمله مغولان در امان بودند ولی در وضع مناسبی به سر نمی‌بردند و حکومت‌های گوناگونی بر این منطقه حکومت می‌کردند که با یکدیگر یا با بدویان یا مسیحیان شمال مدیترانه در حال جنگ بودند. مغرب اسلامی بعد از فروپاشی دولت موحدان به سه حکومت تقسیم شد که در هر کدام یکی از خاندان فرمانروا حکومت می‌کردند. «خاندان مرینی در مغرب دور (اقصی) و خاندان عبدالواد در مغرب میانه و خاندان حفص در مغرب نزدیکی که آنرا افریقیه می‌نامیدند.» (صادقی‌فسائی، 1379:23) پایتخت اولی فاس بود و مرکز دومی و سومی به ترتیب تلمسان و تونس بودند. (مقدمه، 1375:44). «از میان حکومت‌های مغرب، حکومت حفص از دو حکومت دیگر مقتدرتر بود و شهرهای آن خصوصاً تونس اهمیتی فرهنگی داشتند.» (اخوان، 1379:18)

از میانه‌های قرن ششم هجری (11م) در اثر پیشرفت دو خاندان بربر، مرابطین و موحدین، آفریقای شمالی از دست اعراب خارج شده بود. در اواسط قرن سیزدهم میلادی قدرت خاندان دوم (موحدین) تضعیف شد و آفریقای شمالی در پایان قرن سیزدهم، و سراسر قرن چهاردهم به سه کشور رقیب تقسیم شد: «بنی‌مرین در مراکش، بنی‌زیان در الجزایر غربی، و بنی‌حفص در الجزایر شرقی و تونس و طرابلس غرب». (مهدی، 1373:13)

3. معرفی اندیشه اجتماعی ابن‌خلدون

جامعه‌ای که ابن‌خلدون در آن می‌زیست یکی از دوره‌های پرجوش و خروش تاریخ اسلام به حساب می‌آید. ابن‌خلدون همواره میان شرق و غرب مالک اسلامی در آمد و شد بود و با ملت‌ها و دولت‌های گوناگونی آشنایی پیدا کرد. مناصب متعدد داشت و با نظر دقیق و تحلیل‌گر خویش، با اندیشه و روحیه افراد و اجتماعات روبرو شد. حاصل این چنین تحقیق و تفحص وی اندیشه یا فلسفه اجتماعی اوست که اثر ژرفی در تاریخ جوامع بشری داشته است. (الفاخوری، 1358:709) ابن‌خلدون نیز از جمله دانشمندانی است که ارتباط میان دانش و اندیشه‌های بشری با شرایط اجتماعی و